

این صدای گامهای موزون پرولتاریای ایران است

این صدای گامهای موزون پرولتاریای ایران است. این واقعیت در کنار همه آثار و نتایجی که به هم حشیش زودهای و انقلابی، حریف باجاری آورد، به تنهایی گواه آنست که تعداد سالها در جامعه ما هم موزون در شرایط صعبی به تحول سرشار است. دیوکرانیک و کسوفه فراهم آمده است. صلفه بودن شرایط ما در به هم خوردن موازنه و تناسب نیروهای طبقات اجتماعی هنوز به معنی آن نیست که هدف و جوش میوه رسیده و بخته ای در دامن ماست زنگاری استمدت دراز کشیم. تا آن را در حین داشته باشیم. این نمیرنسانست نیرومند تا به معنی مینا شد. امکانات عظیمی است که به آن توجهات انقلابی باور و سپاه تحولی سازید و زخیره و آمادگی است. اما از امکان تا واقعیت راه درازی است.

از طرف دیگر به هم خوردن موازنه نیروهای طبقات اجتماعی در صورتی که در ردهای سیاسی و فضای و جوی کشور ضعیف نشود. ریزش های اجتماعی بحران و بلور به بار می آید. تنها در های جامعه را حالت انفجاری می دهد و طغیانها را به هم می آید.

گرمیها و تیوان های مسکین تودموی طبقاتی می آید. اوج گیری جنبش توده ها در ایران و تنگناهای ناپذیر و فزاینده رژیم، تا جوم به شرایط ساعدی که تفسیر ناسیونالیسم و راهبردهای جهانی به معنی صلب و ترقی و سوسیالیسم و به زبان امپریالیسم جهانوار و رویه زوال پیش آورده، از این زاویه بیشتر قابل درک است. وزن سبکی که طبقه کارگر ایران در صحنه اجتماعی و طبقاتی دارد، به دیگر طبقات و اقشار دیوکرانیک و مترقیتر مجال، و شور و جرات خود را ناخشنود می دهد. جنبش به عهد میبندد و دانش طالبات خود را گسترش می دهد. جنبش است که طبقه کارگر در روند اجتماعی مایه صورت مرکز ثقل تحول و جنبش در بر آید و به صورت صبح بیکراسی، انرژی انقلابی جنبش عمومی حلقی را ناص می کند.

نگاهی گذرا به موقعیت کنونی و مواقع اساسی این انقلابی ترین وی گسترش طبقه کارگر، بصورت این ارزیابی و رانابند می کند. طبقه کارگر ایران بیش از نیمی از مجموع نیروی کار فعال را نظیر اصنافی را تشکیل می دهد. این طبقه در حال حاضر نزدیک به ۶ میلیون نفر داشته و نیروی کار جامعه را در بر می گیرد. از این طبقه طبقه کارگر سه دهم میلیون نفر در صنایع و معادن، یک و نیم میلیون نفر در صنایع کوچک و متوسط و یک میلیون نفر در رسته کشاورزی، اشتغال دارند.

البته هنوز اقشار بسیار وسیعی از کارگران از محیط دهقانان و پیشه وری سنتز کلا جدا نشده و بخش های بزرگی از آنان راه عمل اولیه درک طبقاتی و تشنگ صعبی و پرولتاریایی گدازند. با این حال وجود پیش از این طبقه کارگر مائستی، پدیدار شدن هزار کارگر که نه اندک کارگران آنها بیش از ۱۰۰ نفر است. و صد ها بنگاه و موسسه اندیم تولیدی نظیر توب آهن، نفت، راه آهن و غیره، که در هر یک از آنها از هزار تا پنجاه هزار کارگر به کار مشغولند، شرایط عینی مطلق و برابری حالت موثر کارگران در حیات اجتماعی و سیاسی کشور ایجاد کرده است.

لبنی و گریه در کارخانه ها محضین مرکز سیاسی جامعه است. وجود چنین وضعی در دست طبقه کارگر ایران، که ضامن سوابق مبارزاتی، فزونی از انقلاب مشروطه تا به امروز، برخوردار است و به آن می رسد. این طبقه با جباران و سوسیالیسم، خود موثر و زهره طبقه دنیوی می تواند به صف با رژیم حاکم برخورد، جنبش عمر دو استعمار در دست این طبقه است. حتی از این نزدیک تر به پایتخت و هر چه در این مملکت در دست استواران و در حین این جنبش و موثر.

حشیش انقلابی ایران با تیره کردن بر پیشانی کارگر و جنبش از های وسیع و پیوسته جنبش در برابر خود دارد. حرکت های روز افزون و ناشی و صعبی که گاه به گاه صحنه اقتصادی خویش را می شکافد و چهره سیاسی به خود میگرد، عین این نظر است. این واقعیت نشان می دهد که صف کارگران ایران با شتاب زیاد، به سوی مقصد های اجتماعی می نشاند و آماده به هر وقتی آن نقشهای زیر بودگنده های که تاریخ به میبده اوگدشته و هیچ طبقه و نیروی دیگری حسزا و امکان و ظرفیت و استمداد انجام آن را ندارد و می شود.

تنها در سال گذشته در حدود ۱۴۰ اعتصاب بزرگ و کوچک و نمایان اعتراضی در کارخانه ها و واحدهای تولیدی کشور رخ داد. ایران درهما خود از این اعتصابات در نشریه نیهه ضعیف ششم، این یک رکورد تازه بوده که درجه آمادگی فزاینده مبارزاتی کارگران را در شرایط تورم و اختناق سواکی نشان داد. اگر چه محتوای این اعتصابات و حرکت های اعتراضی عمدتاً اقتصادی و صعبی بود، اما نباید حکم را همانند لنین و از این بزرگ، هر جاززه صعبی تا حدی سیاسی است. حد سیاسی بودن یک فعالیت صعبی بستگی تمام به شرایط اقتصادی - سیاسی جامعه دارد. آن مواسم و انگیزه و هدفی که در شرایط یک کشور ایران که آزاد می های بورژوازی برخوردار است، صعبی خلق می شود، در کشور نظیر ما بیشتر یک حادثه سیاسی است که بلافاصله با چنان حاضر و آماده سواک و جنگ و در نهان پلیس و ارتش در صحنه های روزگار می شود. از این دیدگاه است که اعتصابات و تیزر های صعبی طبقه کارگران ایران، از این ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار می شود و گویا این تیزر به عنوان مرحله جدید غیظ و کوشش جنبش ضد دیکتاتوری، ضد امپریالیسم و دیوکرانیک خلق های ایران به حساب آید. اما غالب تر صحنه و مورد بخش است که حرکت های اعتراضی کارگران در ماههای اخیر در پیوند نزدیک با انقلابی جنبش و نظایر آن وسیع توده ها و نیروهای شرقی علیه دیکتاتوری شبه فاشیستی رژیم شاه - ساوات، به طور عریان جلوه های سیاسی خود را در باره ای نقاط آشکار کرد. این جلوه های تیزر سیاسی کارگران در طمعان، غنچین و قهرمانی تیزر و اندامات وسیع جهانی در اصعبان تهران و کاشان آشکار شد.

در تیزر باومرد آن که دستگاہا و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم و جنبش او، در ماه طمعان مردی - که شرکت کنندگان آن تا ۱۰۰ هزار نفر محصن زده شد - کوچک و غمگین نشان دهند، با وجود آن که یک دهم وقتی یک بیستم نمد اندک تفاوت واقعی نبود، مردم با رژیم، در روزنامه های سواک زده و وسائل ارتباط جمعی دولتی ضعیف نشد و باز هم در حال نام صد هاجرج و مغول و بازداشت شد. حادثه که به مثابه صحنه خورار به روزی ناه های گوسفندی روز کرد و نام و مشخصات صد ها کارگر وجود داشت. همی تبدیل متنصر و نهان صحنه وسیع کارگران در سارزه رود و در شهرستان مردم تیزر با رژیم صد خلق شاه بود.

ظواهر اجتماعی مردم اصعبان در جیابها - که در روزهای اول شماره ۲۳ نوبت چاپ شد - از مباحث وسیع کارگران برخوردار بود. همان که همان موقع تعریف کردیم که بهترین از نظر هر کسندگان که تا مسامحت سلبی، معروف رژیم را وارد حلقه حشمتان خود فرار دارند، از کارگران اصعبان بود. در کاشان هزاران کارگر که اکثریت آنها را کارگران کارخانجات عمیق ملی تشکیل می دادند، کارخانه ها را تعطیل کردند تا به اعتراضات بزرگی که به صاحبیت جمل شدای تیزر برگزار شده بود، میبندید. کارگران کاشانی در این روز حتی اقدام به انتشار اعلامیه ضد رژیم کردند.

اگر چه در این مباحثات و دیگر نظایر آن صحنه و سیاسی کارگران و محدودیت داشته سازمانهای سیاسی طبقه و حزب سازماندهی و رهبری نشده است. به همین سبب بود - و این ضعف عمیق نظر در درک و آسیب به هر جنبش عمومی خلق های ماست - با این وصف صد های اعتراضی و حرکت های پراکنده سیاسی، به وضوح برده شد. جنبش کارگران را بر آنکه به هر حال رسوب حاصل میسازد آهوش های حزب سیاسی او در طی ۳۷ سال فعالیت و یکبار، در آن لایه های محصین جنبش ایجاد کرده است و نشان می دهد. مهم ترین که این صد ها و حرکت های پیکار جوانان در حال رشد و تیزر است و همین میزان هوشتاری و آمادگی قوی العماده طبقه کارگر ایران را برای تشنگی و احیای سازمان های صعبی و سیاسی خود - اصعبان سدیها و اقتصادی ها و احیای کارگری که خود در مسیر و اعمال تامل - اوک و صاحب سال بزرگترین آن فرارگشته و ممالک در صعب سیاسی طبقه می نماید. این تشنگی حیاتی و صعبی است - که مارکسیست - جنبش ها و روشنگران انقلابی، به ویژه عناصر - آگاه کارگر، باید به آن توجه و نظر کنند و از این آمادگی عظیمی و شرایط مساعد روای آن برای مصبر کردن مردم بیشتر طبقه صعب

شهرن راهگشا و افق های او، تبدیل حرکت های صعب و مطالباتی، سازماندهی و تشنگی صعبی توده های کارگران سازمانهای فعال سیاسی و سیاسی، به بهره برداری کند. خاصیت صلاه صعبت رهبری صعب خلق های مائوسی کارگران ایران در این صحنه حشمت و رهبری مرکز است.

کارگران ایران، در مبارزات سیاسی

شملت نیروی اساسی چنین جنبه ای باشد جنبه مشترک و وسیع جنبه کارگر و دیگر متعین او در شهر و ده جنبش ضد استبدادی مردم ایران را وارد مرحله ثانی و قاعه خود خواهد ساخت. مبارزه علیه استبداد و سیاست ضد ملی رژیم ملی استبدادی در کارنامه طولانی تیزر ملی طبقه بر افتار کارگر ایران همیشه وجود داشته است. این مبارزه امروز باید بعنوان عمده ترین وظیفه سیاسی جنبش ضد دیوکرانیک مردم ایران در هر روز توجه قرار گیرد.

رژیم شاه برای جلوگیری از گسترش مبارزه ضد دیکتاتوری، مانند همیشه، به حربه از عذاب و قهریب متوسل شده است. از طرفی برای بقوت کشیدن و گلوله پیلان مبارزات مردم در تهران، تبریز، قم و دیگر شهرها و نشان دادن حشمتی بر بریت و سبقت و پیرونده مردم بیجان آمده را بسکوت و تسلیم وادارد. وای این مبارزات، پیوسته مبارزات وسیع مردم تبریز و شعله های که در این مبارزات علیه شاه داده شد و سنگسار، مجسمه او، بقوی نشان داد که بیست شاه و مردم دره عمیق ویرانشدن بوجود آمده است. از طرف دیگر رژیم با یکسلسله مانورها و تظاهر به عقب نشینی میخواند این پیشاپیش را بوجود آورد که گویا روش خود را عوض کرده است. مبارزات شده دیکتاتوری بدون شاکت نه محبوب میشوند، نفوس بلکه با ایجاد حدت و در صوف خود مبارزه را شایسته انداختن اشتیاق و ایجاد وضعی که موقای خواست اکثریت مغلق تهران ایران باشد. با سرخشی ادامه خواهند داد. شرایط داخلی جمله بتوسیع تناسب نیروها بسود صلاح و ترقی و دو کراسی و سوسیالیسم در عرصه جهان - برای پیشرفت این مبارزه دورنمای امیدبخش ایجاد میکند. شما کارگران ایران باید در این مبارزه مقصد مانند همیشه لغاگرانه شرکت جوئید و با نیروی عظیم خود به رژیم دیکتاتوری خاتمه بدهید و کارگران و زحمتکش مبارز ایران!

فر راه سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضاشاه مبارزه کنید!

- با سیاست زیانبار تبلیغاتی که تروت ملری بر باد میبهد و بجای دیستن و کودکتی و بیطرفی در ایران کوهنی اسلحه را انباشته میکند، و برای خروج اکثریت آذربایجانی از کشور ما مبارزه کنید!
- مبارزات سیاسی و اقتصادی را با هم پیوند دهید برای آزادی تشنگی، برای دفاع از حقوق سه خود در زمینه مزد و مسکن مبارزه کنید!
- عمل تقابلهای سواک را طرف نشیند و ستندیک های واقعی خود را بوجود آورید.
- از حربه اعتصاب و تضاد عزت سیاسی بشکل مؤثری استفاده نمایند!
- برای آزادی زندانیان سیاسی و از آنجهه کارگران زندانی و کشتن بخندنامهی آنها مبارزه نمایند!
- پیوسته مبارزه را بیبند نگه دارید و بگرد حزب توده ایران حلقه زندی!
- زنده باد طبقه کارگر ایران!
- فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز هیبتکی و نمایش نیروی پرشکوه کارگران جهان!
- کمیته مرکزی حزب توده ایران فروردین ۱۳۵۷



برای آگاهی هواداران حزب

با یکبار دیگر برزخی هواداران حزب را در همه جا آگاه سازیم و بکشید بر اساس دستورهای سازمانی که گروه انقلابی توده‌ای بوجود آورده و با مرکز حزب فلسطین-پرتغال سازماندهی برای برقراری این تماس تا هنگامیکه وسیله کاروان اطمینان بخشی بوجود نماند. تیبیا بنام مستلزم بودن در هر هیئت که خبر و فلسطینی که سالها بنوازد از آن راه شطرا پخش شده در تفتان حزب توده ایران تا به بندهم و خبرهای جانبی جدید زندگی خود و محیط اجتماعی ایران را در روزنامه ما منتشر نمی‌شوند برای ما بفرستید.

این گروه نامهای خود را متوجه مستطیا از ایران بفرستد برای بهتر است آری! بخشانی آشنائی در خلیان از ایران - برزخی و از او بخواهد که آن را به تفتان حزبها به پست اندازد. در مواردی حتی متوجه از نشانی گمانی استفاده کنید که آشنائی بی بی نیستند و نظرا هم نمی‌شناسد. این بستگی دارد به امکانها و امکانات خود شما.

برقراری پیوند کامل سازمانی تیبیا از راه ارتباط مستقیم فرد و یک صد در صد خود اطمینان شما بلند با سازمان مرکزی حزب فلسطین-پرتغال است. برای گرفتن این ارتباط باید دستبرد نظر به اطمینان بهاد و از به ظن عمومی و یا از پستخانه (نه از میانخانه و یا خانه شخصی) به بن نامن نام و نشان خود به شماره تلفن ۷۹۰۰۲۱۱۱ و ۷۹۲۲۱۹۹ در پاریس تلفن کنید و آگای با بر Boyer را بخواهد. آن دوستان نظرها تلفنی را که با آن متوجه با مرکز حزب تماس بگیرد به شما خواهند داد. نه در تلفن اول و نه در تلفن دوم نام واقعی و نشانی خود را ننویسد. خود را به نام مستعار معرفی کنید و به راهنمایی که به شما خواهد شد در تفتان تیبیا کنید.

راه دیگر برقراری پیوند وسیله یکی از دوستان خود است. نکته دیگر در خارج زندگی با تحصیل میکند و برای دیدن به ایران می‌آید و وسیله برقراری پیوند سازمانی بین شما و سازمان مرکزی حزب را فراهم می‌آورد. برای ارسال خبرها و نامه های خود به "شعبه" منتشره حزب توده ایران در داخل کشور، نیز می‌توانید از نشانی مرکز حزب استفاده کنید. با در راه خلیان مرکزی کنیم. هدفی با جعلی است. راه ما درست است. با سازمانها پیوند خواهیم کرد.

با ما به گرمی در گانه کنید!

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

حساب بانکی ما:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: O 400 126 50
Dr. Takman

پیام برای

بخش کنندگان (شویید)

دوستان گرامی! برای شما که از اهداف و مقاصد "شویید" در پیاد و پیش می‌کنید و رایحه نجات زو به منظور حفظ سلامت و امنیت شما و دوری از خطر ابتلا به جنگ بیس عین آسمان و زلزله صورت حیاتی دارد:

- ۱- "شویید" و دیگر نشریات حزب و انجمنهای غیر مستقیم و بی خطر بدون گرفتن نشانی مستقیم، به اختصار خود به دست مسافران و زحمتکاران و دیگر مجوس برسانند.
- ۲- پلایس هار و رنده رژیم برای شناسایی و به دام انداختن شما در گوشه و کنارش و در گوشه و حیایان کسین می‌کند. با شناسایی محل پخش رسوخ و ماسکیزد پلایس و انتشار لسطه مناسب برای پخش، به ارتقا و پخش اختفی کنید.
- ۳- سرگز از اطمینان و دوری سبک است نزد دار و در نگروسانی که از روی آبیایی پس می‌تواند به صورت شخصی سرزد به هنگام پخش استفاده نکند.
- ۴- بهترین شیوه در امان ماندن از موشن پلایس در اختفی خاطر متناسب با منطقه ایست که در آن عملی کنید.
- ۵- موشنهای برصوت حمل، خوشنودی و تسلط بر انصاف، ابتکار عمل و دوری از کارکرد شیوه های نگروسانی میوه به دست...
- ۶- برای تجدید ارتقا و نشریات شما از جاسازی مفسر وسطه استفاده کنید.

کامیاب شما را در پیگیر مشرکان خواستاریم!

پیام برای گروه تندر

رفقای گرامی! خواهش می‌کنم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بگیرید و به یاد رویه های گرم

قطعه نامه استادان و دانشجویان

دانشگاه صنعتی تهران

هفته گذشته ۱۰۱ تن از استادان دانشگاه صنعتی تهران طی قطعه نامه ای که بدین ایل به جلسه عمومی صادر گردید به تصمیم رژیم در مورد دانشگاه صنعتی تهران در دانشگاه صنعتی اصفهان و تعطیل آن در تهران اعتراض کرده این تصمیم را به منزله انتقال از این مرکز بزرگ و مهم آموزشی عالی دانسته و لغو آن را - خواستار شدند. استادان نظام دانشگاه که در صورت عدم پذیرش این خواسته از سوی مسئولان رژیم، در روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه از حضور در کلاسهای درس فریاد در آری خواهند کرد. دانشجویان نیز در جلسه عمومی روز دوشنبه هفت گانه فلسطینی از این خواسته مطالبی استادان پشتیبانی کرده اتفاق نامیخته که از روز یکشنبه گذشته از سروا کابل تحریر خواهند کرد و در صورت تعطیل دانشگاه از طرف مسئولان رژیم پژوهشها و سه هفته هر هفته صبح صبح خود را بر این امر متمرکز می‌کنند و جلوی دانشگاه تشکیل خواهند داد. در ضمن استادان و دانشجو بان دانشگاه صنعتی از دانشجویان دیگر مراکز آموزشی عالی و نیز از افتخار مصطفی مردم دعوت کرده اند که از این خواسته حمایت و مساعدت آنها به واسطه مصطفی پشتیبانی نمایند.

دور زندان قصر...

از زندان قصر خبر می‌رسد که مسدودسازی تان که پس از سه سال زندان به بهره به انجام راهی می‌گردد چه چهار سالگرد آن اوضاع محکوم شد فاسد و غیر منصف است. هزاره او و ده های دیگر از زندانهای سیاسی که حدت منصفیت نشان می‌دهد در فشار و سوزانی گدشته "توبه" درج کرده بود. در ارتقا و شکستهای حیوانی و مرها ت مفسری بارده از طرف رژیمها و بیماری روانی و چارنده و تعداد دروس خود را به کنی از دست در ارم است. ولی رژیم حاکم را تا مدتها حاضر نیست در اسی حال نبود ست از سر او بردارد و از آن ش که بلیک او را نماند دیگر زندانها از حدت مایت پیشتر دورمانی نیست محرم نگاه داشته است.

مراست مساعدت مسدودسازی زندانها و دیگر اسیران مبارک خود صیص امروزه خود را بلند به کنیم!

بنیگاه حقوق الیکاری پهلوی

سال تاسیس ۱۳۰۴

نمایندگی
انحصاری
سی آی ای
و پتاکون و سایر
محصولات
امپریالیسم در
ایران

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سوزگون کنیم!

نویسد

((فوق العاده))

سال سوم، شماره ۲۸، پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۲

مردم در کوچه ها و خیابان های قم با خون شهید ای خود پر در یوارها نه شستند :

بامرگ، یا آزادی

روز سوگواری و فریاد اعتراض مردم به مناسبت چهلین روز شهید ای بزرگ و جبرم و کاشان بود، اما در ضمن سوگواری خلق راه سوگواری دیگری تبدیل کرد. او به روی مردم عزادار آتش کشود، کمانده های مسلح و توپ و تانک و هلیکوپتر های مجهزه مسلسل خود را بسطه استقبال شرکت کنندگان مراسم عزاداری فرستاد و به این ترتیب بی آن که خود بداند، مراسم چهلین روز شهید ارا به یک سنت مبارزاتی به یک میعاد قیام و نبرد بدل کرد. چله شهید ای سال گذشته قم در تبریز برگزار شد، چله شهید ای تبریز، پیش در آمد چله شهید ای کاشان و چهارمین روز بود و چله شهید ای این سه شهر مجروح در ۲۵ شهر در خون ولاله های سرخ شگفت و اینک همه می پرسند: چله شهید ای قم و تبریز و کازرون در کجا خواهد بود؟ تمامی شهرها؟ سراسر کشور؟ خبرنگاران نوید و مبارزان توده ای که در اکثر شهرها و ش به دوش اقشار و طبقات مختلف مردم در تظاهرات و زد و خورد های خیابانی و ستیزاتش خلق و مردم خلق شرکت داشتند و تصدیق شهید ای قیام قم را بیش از ۴۰ نفر و شهید ای تبریز و دانشگاه آزاد آبادگان را در حدود ۱۰ نفر و شهید ای کازرون راه نفر گزارش داده اند. در این سه شهر نیز شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان، تهران، کاشان، کرمان، بهبهان، قزوین، کرج، ساری، بابل، یزد، کرمانشاه، اهواز، شصان و دیگر شهرهای به تلاطم در آمده صد ها نفر مجروح و صد ها نفر دستگیر شده اند. شهرهای قم و تبریز و شیراز به صورت شهرهای اشغال شده در آمده اند و کامیون های پلیس و ارتش و تانک ها و زره پوش ها در خیابان ها و مراکز مهم شهر مستقر شده اند. در این شهرها عملاً مقررات حکومت نظامی شدید و خشنی به اجراء آمده و توقیف مردم در منازل و کوچه و خیابان ها و تفتیش خانه ها با بی شرمی صورت آوری داده دارد. گریه ها و گماشته های رژیم، آن آزادی را که شاه مدعی باز شدن فضای آنست، در ایستارها و یورش های خود در به خاک و خون کشیدن مردم بی سلاح تفسیر می کنند. آزادی عرضی در یکسانتورها همیشه آزادی جلا دها، زندانیان، آدم کشان حرفه ای بوزینگان سیاسی و زدها و قهاره بندان بوده و هست. آزادی عرضی شاه، آزادی بصبان ازان و آدم رباان شعبه ساواکی کمرته زیر زینی انتقام و سازمان دفاع به اصطلاح غیر نظامی ("نیسروی با یداری") و اوپاشان و چاقو کشانی است که هر چند گاه از آستین

نبرد رویاری شاه با خلق به اوج بی سابقه رسیده است. کشتار بی رحمانه در همه آزادیخواه در شهرهای طیفیان کرد، قم و تبریز و کازرون و شیراز و به خاک و خون کشیدن صد ها صدها صدها در تظاهرات بر دانه مرد دریاری و نزد اختناق در بیش از ۲۵ شهر کشور، نشانه وحشت عمیق و سبقت جنون آمیز رژیم در خلق و متزلزلی است که می خواهد فاصله عمیق خود را با مردم به ستسو آمده با خون و جسد بر کند و نقد آن را بیا بگاه خود را در میان توده با سر نیزه و سرب و باروت جبران نماید. دانه وسیع این یورش و کشتار در عین حال نمایانگر گسترش روز افزون جنبش آزاد یخواهی و عزم و جانبازی بی دریغ صدها استان برای برچیدن بساط پلید دیکتاتوری لگام گسیخته است.

در جنبش عظیم روزهای اخیر بیش از صد هزار نفر در شهرهای کوچک و بزرگ علیه رژیم شاه - ساواک قیام کردند. در بیشتر شهرها قیام کنندگان با مشت های گره کرده، با چوب و پاره سنگ، به صفوف گرازمای مسلح شاه، به تفنگ ها و مسلسل ها و حتی به تانک ها و زره پوش ها حمله کردند. این عاصیان استبداد در حالی که خشم و نفرت خویش را از جلا د تا حد ارایران و عشق و آرزوی سوزنا آزادی را در شعارهای هیجان انگیز، فریاد می کشیدند، در کوچه ها و خیابان های قم با خون شهید ای خود پر یوارها نوشتند: "بامرگ، یا آزادی..."

و همین دهان خون آلود خلق بود که شعار قمار تبریز در کازرون و شیراز و مشهد و دیگر شهرها و مراکز قیام، تکرار کرد و ناگهان در سراسر صدها رنج دیده و وزیر مہمیز ما، غرض جا، ویدان و باشکوهی طین انداخت:

یا مرگ، یا آزادی...

این شعار گلگون آخرین سخن خلق های مایه دلفک ها و ممرکه گران دریاری و داروغه ها و زخمیان استبدادی بود. خون شهید، قم و تبریز و کازرون چون دریایی که از موج نمی افتد، در شعارهای کوچه و بازار می تپید و همه مبارزان صرف نظر از عقیده و آرمان و مسلک و خاستگاه طبقاتی آن ها به زیر درفش یگانه ای که از خون و روح خلق بر غراز سنگر آزادی به اعتزاز در آمده بود، فرامی خواند.

جنبش و قیام سراسری روزهای اخیر که به خون و حماسه آمیخت،

شهربانی و ساواک بیرون می ریزند .

قیام عظیم و سراسری مردم که در واقع تداوم جنبش استبدادی ، دموکراتیک و دماجبرالیستی خلق نمای ماست ، روشنگری فلاکت بار این نوع آزادی و دماجبان و مصلحان روسپی صفت آن را نشان داد . این قیام تا وظایف سیاسی را و ج گیرنده ، در عین حال که رسوایی زوال حزب شاه فرموده رستاخیز و حزب سازان خیالیاف و شعیده که درباری ربا قاطعیت دندان شکنی به اثبات رساند ، این حقیقت تردید ناپذیر را بار دیگر به روشنی تاکید کرد که در ایران فقط یک سازمان و حزب فراگرفته در مفهوم مجازی آن وجود دارد و آن سازمان و حزب غیر متضاد و دیکتاتوری و دماجبار است .

تظاهرات وسیع و توده ای اخیر در کثرت آثار و نتایج بی ثمری که در افشای عجز بیشتر رژیم ایران بر بادده و نتیجه صفت شاه و انزوای روز افزون آن دارد ، هائز یک ارزش اساسی دیگر همست و آن این که در متن این جنبش و تلاطم و ستیز ، ایران به طور مشخص به دو جبهه تقسیم شده و تمامی مبارزان و استبداد ستیزان و فرزندان عملا در جبهه واحد دیکتاتوری قرار گرفته اند این واقعیتی است که بیش از آن که سازمان ها و گروه های سیاسی و سیاسی و احزاب و عناصر گوناگون مخالف خود کمالی بتوانند بر سر آن در عمل توافق کنند و به آن تحقق بخشند ، به نزارخ خود را می نماید و تصریح می کند . سر بوتان از این ثمریت ، چشم استفیاد جنبش خلقی و مابعد و محقق بکنند ، به نزارخ خود را می نماید و تصریح می کند . سر بوتان از این ثمریت ، چشم استفیاد خلق را کم توان رخصت غدا و حیل کوششیرین کام می سازد و به این بخت خون آتمام فرست می دهد تا جلوه های بیشتر و سوگوار می نمای گسترده تری را به خاطر شریف ترین و دلیرترین آزادی خواهان میهن ، به خلق نمای ما تحمیل کند .

تظاهرات رشد یابنده و حرکت های اعتراضی و محکوم کننده و غیوران خشم و نفرت توده ای که امروزه بهانه ای و به شکل حادثی جلوه می کند و صداقت و حقیقت آن با نمونه های شهدا تضامین می شود ، یک مخاطب دیگر هم دارد . نظامیان شریفی که بیعت مقدس وفاداری آن ها با خلق است ، باید این ندای وجدانی را در یابند و به عنوان جزئی از مردم ، باره ای از ملت ، به وظیفه خلبان و مبارکی که در این لحظات حساس در قبال میهن تاریخ دارند ، می بییند . آنها باید بدانند که ارتش ایران ، در باره ای از وجود خود ، همواره عیادت دار شریف ترین سنن انقلابی و با یگانه وفاداری به خلق و تنبیه با باطل بوده است . آنها باید خود را از صورت یک ابزار بی اراده ، یک صهره شطرنج ، یک بده چشم و گوش بسته ، از دست چابولکران ایران و اربابان امبرالیست آن ها ، به در آورند و بجای خود را در کنار مردم و نه در مقابل آن ها بیابند . آن ها باید با چشم خود و با گوش خویشاری خود تظاهرات سیاسی کارگری ، صوح های اعتراضی را که سراسر دانشگاه های کشور را فرا گرفته ، طغیان روشنفکران ، اعتراض نامه های افشاگر نویسندگان و معتمدان ، روزنامه نگاران ، روحانیون ، قاضیان و کلاهی دادگستران ، فرنگیان ، علمیان ، چشم آیز امتناع ، در نهایت ناراضی و هوش توده ، ما در یابند و با کف های آن را بچینند . در آن کارزار ، به سمت

تعیین میهن ماست ، حق با مردم است یا دربار ؟ نظامیان میهن پرست باید به این پرسش حقیقت و مردم جواب بدهند : واقعا دیکتاتوری است ؟ تمامی یک ملت ، با منشی سر راه شکم ، فامند ، در رنگو ، غارتگر ، زالوعای آبی روز ؟

زلزله ای که در کاخ استبداد افتاده ، مردم شکاف روخنه نمای عصیان تری ایجاد می کند . به همان نسبت که میدان نبرد دیکتاتوری باوری آید ، اقتدار و کوره نمای بیشتری از جامعه به مبارزه فعال ، گسترش می یابد ، تنگنای که رژیم شاه - ساواک را به حقیقت و عجز و حرکت های دیوانه وار مبتلا کرده ، طاقت فرساتر می شود . و همین موقعیت نوسید کننده ، همین طنابی که به دست خلق مردم بر گوی شاه و در دست اش تنگ ترمیشود این نوعیاری و آمادگی را باید در مبارزان زنده و پیدار نگه دارد که در عر لحظه آماده پورش وسیع احتمالی و چنگ و دندان و حرکت های عصبی و تدافعی رژیم باشند . اما این آمادگی و هوشیاری مانع از تجهیز عرصه بیشتر نیرو برای فشار آوردن بر کله رژیم در حال احتضار نیست . بر عکس شدت وحدت مبارزه و حمله همه جانبه می رفته ، تلاشی و سقوط لیبسک های در بار خود فروخته و سازمان روضی اضیت را نزدیک ترو قطع می تری سازد . این نیروها ، ادگی جانیازانه هم آنتون وجود دارد . مردم با شمارهای مرتک پرشاه . . . سرنگون باد دیکتاتوری . . . ننت بر جلا و تاجدار . . . به استقبال کله و تانک می روند . ادامه و استمرار این مبارزه که توانای آن در توده ای بسودن آست ، تاد راست بساط تنک و استبداد را به یکباره از میهن ما برود . مبارزه را تشدید کنیم . . . با هم متحد شویم تا بتکه فرعون دماجبار را بر سر او خراب کنیم . این غمرونی است که خون های عزیز شهیدای دانشگاه آذربایکان و در خون شهیدگان نبرد نمای آزادی قم و کازرون ، چون وام مقدسی به گمردن ما نهاده اند . . .

حمله گراز های شاه به خانه علمای مبارز قم

گرازهای رژیم در جریان تظاهرات گسترده و خونین مردم قم به خانه علمای آزادیخواه و دماج استبداد از جمله آیت الله شریعتداری ، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی بوش برش بردند . در این حمله تاجدارانرانه شیشه ها و دروینجو ه خانه علمای مبارز در هم شکسته شد و به خانه های آن ها آسیب و خسارت بسیار وارد آمد . این تهاجم ردیلا نه بسا چنان خشونت و بی پروایی انجام گرفت که آیت الله گلپایگانی در چهار ناراحتی قلبی شد و توسط مردم به بیمارستان منتقل گردید . این حادثه خشم و نفرت مردم را نه تنها در قم ، بلکه در سراسر کشور دامن زد و قیافه منحوس و شیطانان رژیم نمد ملی ، دماج دموکراتیک و خون نریزشاه را با وضوح عجزه بیشتر در برابر انتظار قرار داد .

نویسند

(۴ صفحه)

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۴۹، شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۷

هشدار به مبارزان ضد دیکتاتوری



به مناسبت ۲۲ اردیبهشت
روز زندانیان سیاسی

آنها که زنده اند

۱۲ اردیبهشت ماه روز شهادت خورشید و روز زندانیان سیاسی ایران، یادآور عقاب های شوریده ای است که در پروازهای بلند و آرمانی خود از نفس ها پیوسته ای های شاه سر در آورده اند. این که سالروز مرگ پهلوانی روزی به خون ریز زندانیان سیاسی از طرف خلق های ما تأیید شده، خیالی از محنت نیست. خلق هاشمیر ابدی خود را در پای سنت ها می گذارند که در ریاضا هنوز هادی می امید آن ها شکفته باشد. روز مجتبی حدیث و سنتی است؛ ظهر نبرد و ایمان، سرودی که چون آزاد و خشمگین را در آواز و اهتزاز است. اسیری کتواناتر از بیلاد خوش استوار اسفندی رنج و مصیبت خویش به گلهای سرخ شوزا به صبح های کبود خفته، به بوسه های که در دهان گلدان حسا خواسته شکفت، لبخند می زند برای تریخ فتح های فردا، به شارت دهنده سپید و روغن تنباغ و سڑاری که هاشقانه با رنگ نوبر اگر تان زندگی را که در دست های خشم خلق پلاسیده شده، به از پیشکشی شد و تمسیر کند. قهرمانی که تجسم طاقوت علیه ناپذیر و جسد او بی پایان مردم است و مردمی که مردم است ... مبارزان خلق هنگامی که دم به زندانها و شکنجه گاهها می گذارند و از زیر دروازه نامری، محرومی می گذارند که نام روزی چون کلام مقدس از آن می تراود و طنینی اندازد. در این نام نیروی الهی بیخفته است که به مبارزان و عاشقان آزادی می فرود و مرگ را بیاداری می بخشد. صدای پاک و نافذ روزی، صدای آن آشوبی است که از طب ایرانی جوشه زد:

... من تمام نمی شوم. تا وقتی شایه این کارزار کلکسون و پخت نکرد مایه و من هستم... تا وقتی جان هادر زندانها و شکنجه گاهها ندوبی می شوند، من هستم...
و در این پیام روزی است که مبارزان آن را دردی بماند، چرا که بیسی از آن را در روح خود احصا می کنند. این که کست که از زندانها فری تراست؟
دیناله در صحنه ۲

های سیاسی خویش است. در واقع جنبش با گام های فرسنگی به پیش می رود. در حالی که شرایط اختیاق سماه و طولانی فشارها و ضایعات ناشی از آن، رو کج و روی های بی شلی سیماری از عناصر بهر صورت گذشته مانع شده که سازمان های سیاسی و طبقاتی و احزاب بتوانند از بسی پیش خود را برای مواجه شدن با این تیزان پرداخته توده ای آماده سازند. واکنش که توفان فرار میدهد و جنبش به مرحله بلوغ خود می رسد، سازمان های سیاسی از نظر تشکیلاتی هنوز گامی فرام و توسعه نیافته اند نظر سازماندهی و رهبری اشکان بهره برداری عطی و انضباطی از نیروهای عطی را که آزاد شده و مردم کمتر به وضع آن فرزند می گورد، نه از آن. عقب افتادن سازمان های سیاسی و در مولد ری رهبران از جنبش توده ها، نقاط آسیب پذیر این جنبش را زیاد و قدرت مانور و اشکان برخوردار می از همه توفان آن را کم کرده است. به این ترتیب جنبش در حالی که از نظر طول و عرض بسیار تناور است و نافه آن اراده متحرکی است که پیشترین نیرو را در بن نقطه کرد آورد و تمامی آن را با محاسب شده ترین تاکتیک های مبارزاتی، مضطرب به فری ترین هدف ها و ضمیم ترین حلقه استحکامات دشمن سازد.

دو شکل ضایعاتی از جنبش مبارزاتی جبهات محرومیت های را به جنبش تحویل کرده که در نیمه شاه - ساواک از آن سود فراوانی برد و در امر ترفیع کردن این مسئله و درد و انواع کار شکنی های را محمول می دارد. اما بسیار وجود این نقاط ضعف اساسی شدت گندی که مردم و حد تغافل های آن و شرایط صعب جهانی و گسترش حد دامنه ناراضی ها و رو بر آوردن روزافزون اقتضای و گروه های جدید به مبارزه علیه دیکتاتوری، چندان ابعاد پهنا و ویرانی دارد که زلزله در لرگان رژیم انداخته است. وقتی گریه رژیم و شکست به آنگهی کشد که مردم برای ساقط کردن آن با پشت و وجود سستی به تانک ها حمله می بوند و دژ برابری گلوله سینه سپری می کنند، بسیار خون شهدای خود بر دیوارها شکارهای آزادی و نویسنده حرمانات خویش را بازو بر بالای سینه می تودا ها بر قامت آنها می کنند و بخوابند. در همین حال زیر فشارات و اوج و خشم بیامان رژیم شاه و شرکا، نیروهای مختلف صنفی و سیاسی واجتماعی ناگزیر بهم نزدیک تر می شوند. تا آنجا که فرمان در صورت گریز ناپذیر به هم گره بخورند... همین دوناساست که هر روز جنبش تر و سکت تر می شود و رژیم جلا د تا جلد را وانگس ها و کرکهای را که در او راجله زده اند، متوسل و صحنی وضعی می کند.

در حال حاضر با توجه به روند بی رقبه واضح گورد، جنبش و دورنهای آن دو خطر عمده را باید در محاسب ها و احتمالات نظور داشت:

۱- بحران همه جانبه وضعی که چون توفان و گردباد سپین ماردری می نورد و هر روز به اندازه چند ماه و هر ماه به اندازه چند سال آخته به آراضی بکواختی، جنبش خلقی را به پیش می برد و تحولات انقلابی را در این می زند. مبارزان و کنترل این جنبش را به عظمی و غدا به عطا از عهد در آورده دیکتاتوری و لایه های و خصمان آن خارج شده است به همین جهت رژیم گدی به درنده استبداد بسیار هر زنی که بر پیکر تناور جنبش می زند، آن را وسیع تر و قوی تر می کند. با هر چند به مبارزان را جری نمی سازد، با هر عقب نشینی - اگرچه ناچیز و سانیتر - نیروهای دیکتاتیک و ضد امپریالیسم و ضد سلطنت طلب را به پیش می راند و تهاجم بیشتر تشویق می کند، با هر تندی و چشم غمزه و در ندان کورچه، خشم و صعبان توده ها را شعله ور تر می سازد و در نهایت با هر تلاش و سیاست و حرکت تازه بیشتر در باتلاقی بی ابیدی که در آن افتاده، فرو می رود. رژیم شاه و شرکا در همین چند ماه اخیر صد ها شهید و هزار ها مجروح و اسیر و در پشت سر زخم های گذشته، دانشگاه ها را تعطیل کرده، سازمان و شخصیت های مبارز آزادیخواه را با بلی و جفاقی و بیچارگی و با بازیهای روانی افسان ساواکسی به خاک و خون کشیده و خانه زندگی آن ها را بران کرده، به اعتراض و شکران و استادان دانشگاهها، قضاوت و تکلیف دادگستری و هیئت های و هیئت های و ژاندارها و اصفی و از فراتر از این ها، به حرکت های ناشی از تظاهرات و اعتصابات و تیزوری های کلرگران و زحمتکاران با ترحم و لرهاب و گول و زندان و بیرونه سازی و صحنه آرای و زالت جواب داده است. اما از این همه فشارات و جنایات و رسیه و دروغ و تشاراتی جز آزادی صحنه تریجی می بیشتر از حکومت شوندگان و شکنجه و ترو ساختن آتش مبارزه و اعتراض و بر خاست و بهره ای نگرفته به قبل محروم باد های کشته گشته، توفان های سپید گین بهار آورده است. در حال حاضر جامعه ما عطا به در دل و گره به جوش و آشتی ناپذیر تقسیم شده: اردیبهشتی و یاکلی و یاکلی و یاکلی و امپریالیسم، فانیه ترین و شورترین عناصر و نیروهای اجتماعی و اردوی ضد دیکتاتوری که تمامی خلق را در می گورد و حتی بار، از اعتراض و اعتراض طبقاتی حاکم را در قبال خود به بی طرفی می خواهد اصطناعی بر می انگیزد. در چنین موقعیتی ما با دو مساله قابل توجه روبرویم:

۱- شرایط عینی وحدت نیروهای ضد دیکتاتوری و از شرایط ذهنی آن بسیار جلوتر و پخته تر است. به این معنی که در متن مبارزه ترین و بلجوس ترین شرایط، نیروهای مختلف سیاسی هنوز نتوانسته اند در امر مبارزه حیاتی مشترک با استبداد محض رضاً شاه و عهده ترین پالگا آن ساواک به به اشتیاقی اصطناعی و صلی برسند. آنها در عمل دشوار و شرتنگانک عم در سنگر ضد استبدادند و ولس از لحاظ سازمانی و تاکتیک ها و روز و از لحاظ اشتراک سیاسی در زمینه های مورد توافق جدا از یکدیگر. این تجربه نیروها، بزرگترین نقطه ضعف جنبش و مهم ترین مساله است رهبران و عناصر آگاه و دیکرانت در قبال آینده مبارزات خلق های ما در لغات سرنوشت ساز گونی است.

۲- جنبش گسترده و واضح گرتوده ها جلوتر از سازمان

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

حکومت نظامی در تهران

رژیم تظاهرات مردم اهواز رابطه خون کشید

صدها تن از مردم اهواز سه شبه شب هفته گذشته به یاد شهید ای، قم با شعارهای خداستبد از گور خجاییان های شیره راه افتادند و تظاهرات تفرشی پرسشوری بر پا داشتند. پلیس که مجهز به انواع وسایل سرکشی بود برادر او بر این اعتراضات سلامت جهانه مردم بپست و ابتدا با باتوم و سحرچا گلگه راهشان را سد کرد. در تیر اندازی پلیس سه سنی تظاهر کنندگان اهوازی در دهان تن مبرج شده و بمشاله و خون افتادند. هنوز از تعداد دقیق مصرو حین و احتیالات گفته شد گاس اطلاع در دست نیست. به دنبال این حادثه و ز چهارشنبه دانشگاه جنده و شاپور و بازار و مغازه های واقع در خیابان های اهواز تعطیل شد.

تظاهرات آزاد بخوانانه مردم شهر را به آشوب می کشد. کلر سرکوب و انشجویان آزاد بخوانه تهران به نظامیان واگذار شده که نمونه بارز آن حمله افراد ارتش به دانشگاه بیان دانشگاه تهران بود.

شاه شخصاً رهبری ارتش را برای به خون کشیدن تظاهرات مردم در هفته گذشته به عهده داشت. او برای این کار ریز سوم کولک باران مردم قم حتی طلاقت ها و از قبل تعیین شده روزها نه انفراد هم لغو کرد و با بی سیم مخصوص عملیات ارتش را برای سرکوب مردم به عهده گرفت. در این روز تنها آجودان های نظامی و فرماندهان ارتش اجازه تماس با شاه را داشتند.

حوضهای عمال شاه راه سحره می گوید برای هر توطئه ای که رژیم می چینه پاسخی دندان شکن دارد. در هفته گذشته ده هزاران معازه تهران برای اعتراض به کشتار مردم می سلاح و آزاره در قم و تبریز و کازرون و... تعطیل بود. در سوخن ریز قتل عام مردم نه تنها بازار تهران به طور یکباره تعطیل شد بلکه هزاران معازه در جنوب و مرکز شهر باز شد. مردم در اطراف بازار تهران معاصره سربازان و افراد کلر شپشایی و پلیس رزم تیراندازها می کشانند و با تیرها و مرگ بر شاه محلات تهران را بخت سرکد اشتند. در این ریز در دهها نفرانی در اثر اصابت گلوله در خون خود غلطیدند. تعطیل بازار و معازرها که به طور دسته جمعی نگاه به طور برانگنده در تمام طول هفته گذشته در راه یافت. مردم با انتصاب هگنان به دو خیابان ایران اعتراض کردند.

رژیم برای کشتادن تظاهرات و اعتراض های مردم به اغتشاش و توجیه ستقر کردن ارتش در شهر و کولک بپستن آزادیخواهان و شایعات متعدد در باره آتش زدنی انجیصل ها و معازرها با پخش کرد و در زیر این شایعات رژیم توطئه دیگری را هم سازمان داد. با ترساندن مردم در نتیجه متوقف ماندن هزاران انجیصل در حاشیه خیابان ها، پارکینگ ها، کویچه ها و پناه ها این امکان را برای خویش به وجود آورد که توپ و تانک را به راحتی در خیابان های شهر که در روزهای معمولی مطواز انجیصل مانده در تازیک است به حرکت در آورد. رژیم به این ترتیب از طرفی استقرار نیروهای ارتش را در شهر آسان ساخت و از طرف دیگر مردم را ترساند و این چنین وانمود کرد که

در تهران حکومت نظامی برقرار است. اگرچه رژیم شاه - ساواک رسماً اعلام نکرده اما سرکوب و محتملانه خلقه خشم آمده عطا به ارتش سوره شده است. بسا کو چک ترین بهانه یوه پورن ها در دهها نقطه تهران مستقر می شوند. توپ و تانک و زره پورن و مسلسل به خیابان می آیند و برای کشتار جمعی مردم آزاد بخوانه آماده می شوند. سربازهای کلر شاهنشاهی در هفته اخیر بارها با آرایش جنگی در خیابان های تهران مستقر شده و تهران را به شکل شهری حلقه زده در آورند. مقرات حکومت نظامی مانند دهها شهر دیگر ایران در تهران برقرار است. حتی بر اساس گزارش های رسیده از درین ارتش فرماندهان به دستور مستقیم شاه - رای سرکوب مردم فرمان بخشنامه صادر می کنند. محدودیت رفت و آمد ابعاد می کنند و هشتاد از نظامی می دهند.

در دهها شهر دیگر ایران از جمله قم - اهواز - تبریز - هسواز - اصفهان و... نیز مانند تهران ارتش حاکم مطلق است و با دستور صریح نزل نده از طرف شاه در خیابان ها مستقر شده است. شاه برای جلدبارها دلار اسلحه های کل طی سال های گذشته خریده هدی دلخواه بهد آورده است: سینه تیرهای آزاد بخوانان. اعلی رسم تمام این نمایش ها و جنگ و دندان نشان دادن ها که جانشی هه آن ها خون پاک خلقهای قهرمان ایران است مردم در دهها شهر بزرگ و کوچک با پشت های مگر مکرده فریاد می کشند: بارگد بازاران، مرگ بران رژیم فاشیستی، جلا ننگ باد... خلق به با خاسته دیگر تن به اختناق نمی دهد. مرگ

هشدار به مبارزان

۱- امکان ساخت و پخت رژیم با عناصر مردم و نیروها منزلزل در جنبش ضد دیکتاتوری.
۲- راجعه و شرکاء می کوشد حتی اله و عقرب نشینند و امتیاز ندهد. اهر آنتس تا پادفع الوقت به هداقی از این نده به آن رنده فرج است. اوضاع را گشاید هه و از فرصت های ماضی که در جریان این وقت کشی هاور کمن نشستن هابه دست می آورد. برای درهم کشتن مخالفان و ضربه زدن به جنبش عمومی خلق استفاده کند. اما فاشان نوده ها و نیروی مبارزه مدام در حال دست استوان برشد آن قدر ادامه می باید که رژیم را برای حفظ مواضع حساس تر و اساسی تر به تن دادن به برخی اضایها و عقب نشینی هسا وای دارد. اینجاست که رژیم به سوی نیروها و عناصر ناپاید تر جنبش ضد استبدادی دست دراز می کند. نایب امیختن با آنها از یکسو خون و نیروی حیاتی تازه ای به کالبد تعالمنده و مسوم خود تزریق کند و از دیگر سو در جبهه مخالفان خوشگلی و اغتلاط بپندازد. مبارزه با عناصر و نیرو های مردم سازشکار فرصت طلب و انشای هرجه بیشتر آتشیانی که نمیه پاسوسه سازش با رژیم شد ملی هسه و میگراتیکه و از بیخ هین فاسد شاه - ساواک را راندند. سبز ترین وظیفه مبارزان است. به عناصر مشکوک. معامله کسر و ترسائی که به درین جنبش رخنه کرده اند. باید بسا آوری کرد که هر نوع سازش و معامله هینود با رژیم موجود

خوش خویالی نیز صبری باشند که امکان هجوم وسیع و غافلگیرانه و ناگهانی و غیورین رژیم جلا داند وجود ندارد. از هم گسسته باید ترتیب مبارزه سازماندهی مبارزان به تنگلی انشام کرد که بورژوازیهای گرازیهای شاه و دولتیگری و حرج و کل عناصر آزادی بخوانه و رهبران و ارشاد کنندگان و اپیدار یک فضای اختناق و پلیس شدید. نتوانند ضربه مهلکی به جنبش وارد سازد. سازمان ها و ناگهان های مبارزه باید با پیش بینی پیش ناگهانی رژیم بر ناه کار خود را تنظیم کنند و هه احتیالات را رعایت نمایند و با انعطاف و آبدارگی لازم قدرت و فرصت تخمیر شیوه و ناگهانی مبارزه را برای خود تدارک ببینند. آنچه در شرایط موجود بهترین سیر در برابر یک چنین حمله احتمالی و ناگهانی است. انعام عمل هرجه بیشتر و هرجه آگاهانه تر نیروهای ضد دیکتاتوری است. فراموش نکنیم این بنام نخر و دلاینه! لسن کبیر واک:

که در باها خون آن را از مردم جدای کند به عطا به منفی پیوستن به جبهه ضد خلق و انزوا و حتی است. چنین ائتلافی مسوری هصح امید و درونشانی دارد. تنها داع ننگ رژیم را بر پیشانی آتشیانین نقش می زند و این قلب سرطانی را در دیگر آنها به کلر می اندازد.
۲- خطر هجوم ناگهانی و گسترده رژیم. مار زخم خورده خطر ناک است. اوج گوری جنبش زخم رژیم ضد طره استبدادی شاه و لعین تر و دردناک تر می سازد و کل وجود دیت آن را تهدید می کند. از لوسن رو مبارزان با شناخت خصلت واقعی و طبقاتی شاه و فرمان و انشازش. هر روز ناله و جنایت و تزهرو و درندگی را از جانب آنها می درد نظر داشته باشند. رهبری که بارها ثابت کرده اگر خود را در خطر حدی ببیند. از هیچ ضایت و سواسی و خوشتریزی رهبران نیست. رهبری که پایه های آن روی گورستان شریف ترین و نودترین فرزندان خلقهای ما استوار است. رهبری که خاطره کشتارها و جنایات وحوش آن از جنبش آذربایجان و کردستان و تاجیرمان کردتسای امیرالایستی ۲۸ مرد و کشتار اخیر مردم در قم و تبریز و کاشان و شهرم و کازرون و تهران و دیگر شهرها. از اصبهان بخنک خوشنوار. یک هیولای ساخته شده از خون و غضب و مرگ و تحسم می دهد. از آن باکی تدارک برای بقای خود رنگ رودخانه صیچین مارا باخون وطن پرستان گلگد. کند و شپرها را به گورستان های عمومی بدل سازد. مبارزان می آن که دچار بهم بالسروری شوند. باید از این

بیاموزیم افشا کنیم سازمان دهیم
برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

نبرد اعتصابی در کارخانه ایران یاسا

کارگران کارخانه لاستیک سازی ایران پاد - واقع در جاده شهریار (علی شاهی) - به عنوان اعتراض به عدم پرداخت سود چهل سالانه از طرف کارخانه از روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. عده ای از کارگران انضامی هر روز صبح در برابر کارخانه اجتماع می کنند به اشکال مختلف می گویند تا کارفرما را به

پدرویی خواست های حقه خود وارد کند. آن ها می گویند در حالی که زحمت و کمر بر پشت ما برای خود مان آن قسمه بهره ندهند که بتوانیم سادترین و کمترین وقت آموختن زندگی را برای خانواده خود بختناحین نمانیم. در حالی که از لحاظ ناخین سکن و خورد و خوراک و پوشاک و بهترین و بهترین نظریات نیست وضع را تحمل می کنیم، کارفرما از پول رنج و کارما ثروت هسای کلان می اندوزد. چرا او سبنا چیزی از زحمتی که از کار ما

حاصل می شود به ما نمی گرداند. مسئولان کارخانه ایران یاسا مظاهران و ماسلمان... سعی می کنند که خودی در کار نیست تا بین کارگران تقسیم شود. و این ادعای دروغین که مثل دروغ های شاخه ار از آن بی غفرتی و نطق می آید، از حمایت وزارت کسار نیز برخوردار است. کارگران ایران یاسا پس از سه تلاش می که برای احقاق حقوق مسلم خود به کلیر و بند و جز پاسخ منفی نشنیدند، و سرانجام مبارزه اعتصابی را برگزیدند. از سرانجام این نبرد یکپارچه هنوز اطلاعی ندانیم و هر مسلم این گسه بخش از ۶۰ نفر کارگران کارخانه ایران یاسا در کسره که احفه این نبرد صلی به امکانات وسیع مبارزاتی خود و راهها و شیوه های عملی برای تحقق هدف های خویش دست می یابند.

آنها که زند هاند

هر زندانی سیاسی و مظهر یک نبرد است. وجود هزاران زندانی سیاسی در ایران از مستحیطت یکسار و جانانه ای که بین خلق های تسمیر ناپذیر ما و سمسر کنندگان آنها در گراست خبر می دهد. اما زندان خود میدان جنگ سبکی تر است. در این میدان هزاران فاجعه بهشت و محاسه مردم در ترف ظهوسر است. هزاران سرود و غزل خویش از ارتعاش لر و اج مبروح و ادع و درفش خورده به صدای آید و در تاریخی که انتالی افتاده، اما هنوز نوشته نند، جاری می شود. این تاریخ همانیت و خلق است که از تاریخ های رسه کشیده و سرخاب و دروغ مانیده، و تاغ های فتنه به بلا و خون جداست. در هر در این تاریخ چنین هالقی می نهد. از طبقه کار و نالاب حیدر و عواظی، از طبقه روزه نالاب نسیه که هنوز برخاک نیفتاده است.

هس زندانیهای کشور را باز کنند... بازهم مد... صداهای که خاطر و تصویر و شیخ و شهبان است. صدای هوشنگ تیزای در آن روز ۳۰م کرده ۲۸ مرداد ۱۳۵۰. آن روز زندانیان ها و دوغیمان به شکرانه پیرویی حمله بر مردم و نعل و شوری می بین زندانیان تقسیم می کردند. وقتی در سلول هوشنگ را کشیدند، وجهه نال را بر سر زندانیان گرفت و زحمر ما ش زندان راه لوزه در آورد: - من برای شستن تنگ چنین رفتی است که به زندان آمده ام. شوری جشن ۲۸ مرداد فقط به درد شاه و شهبان می بخ می خورد... دروغیمان به نیت اوابه نیز تازیه گرفتند. گفتند: - تا نگوی فقط کردم، تا پناه می خوری. پس از دهها ضربه درونک و منتظر پاسخ این قهرمان توده ای ایستادند. هوشنگ توی چشمها نشان زل زد و گفت: - من کمونیستم. یک کمونیست هیچ وقت نمی گوید غلط کردم.

زندانیان که از آنها بخورند، بکشند، ساکبان خود را در محاصره تنگ ها و سلسل ها بافتند. زندانیان گفت: - خانه تکی دارید، باید به بند های حدب... بروید. حواشرا عریه ندهد: - ولی چرا پانده بد سوزیزه و کوله؟ زندانیان لبخند زد. در این نهنج نحقروود شنام روح می زد. - می خواهید مطرقت کنید؟ از این سوال تحریک نند، بوی استنجزا و خطر میآند. هس و دانستند که زندانیان دست نیاست در انتظار احاطه ضاسی است تا زهر سرباه تن آا بویند. اما ایا خط و نشان کشیده بود و بارها قافیه رایخته بود. حال فرصت ضاسی را در چنگ داشت.

۲۱ اردیبهشت روزی است که در صحن ماحلین هسای طب و سلمین ها در پیچه به روی این تاریخ زنده و جاری می کشاید. گوش کشید... از هرینه از این در پیچه ها آواز های رزم و خون و خاطره می آید. این صدای عشق و دلیری صدای مقاومت خلق ماست، صدای زنجیر ها و زنده انبساط. صدای روزه است که می گوید: - تنها می روم و بتادر سلمین ها شکوفه و نوزاد بر گردن...

دوها ضربه دیگر با کابل بر پاها پشت او گرفتند. پایده نداشت. در زخم گفت: - گمین کمونیست نیستم و حانت را خلاص می کر. - هستم... این تنها چیزی است که نمی توانید از من بگیرید. و بازهم ضربه تا تازیه... سرانجام حسته شدند. هوشنگ لنگه ننگان به سوی سلول خود بازگشت. در آستانه کشنده گاه منزل طعنه برگشت، و لبخند و تسمیر بر اذنان کرد و گفت: - روزهای خوش شما روزهای عزای مردم است. این را فراموش نکنید.

فضای زندان شوز سرشار از زور و جبرگی بود. آن غرو خشک و مباحی که دلبری اش بیش از هر و در بند بود اما آن روز هس غلای کرده بودند. دهان نیمه تاریک و نطق ها و شوخی نمی کردند. زندانیان تسلیم بلا ترحمی می خواست. او دندان های تیز و زهر انگشتر را در گویی این کرت های جسو ان فرورده و خمال می گرد بایک حرکت آنها را در هسم می شکند. در این لحظه هیچ چه ای در میان زندانیان ولول ادا داشت:

صدای گل سرخی است که می خواند: - مگر بلوی تایلر مرده اند که ما بچرم؟ صدای هسایون کیوایی است که از زندان این ناطب اسطوره نطق می زند: - زندان و دلیل زنده بودن ماست، با مرده هاست که کاری ندارند...

و بیکره های زنده و جاری و شهیدای زنده خلسس دای ما: اقتصران توده ای... نغمه سایدکی ۶۰۰ نفر. در پیش سر هربک از آن ها می طوبی از شهید او همرمانان ایستاده اند. شه آدین: آنها را تیر میروان " خوانده است و اما آنها بیونی شوند. آنها را دلای مردم و تاریم... و آن ایدی ای. مگره اس که وقتی از شما شنوکی پرسیدند: - چرا عیبت را ندادی؟ ای مددورت می خواهم شو برو...

آیا محوری... هر چه او بگوید... و در میان امیوه و تراکم زندانیان بازند. مردی چو یک پشت کرده کرده و در انبساط صف ایستاده بود. نطق ها آرام به سوی او برگشت. محوری نگاهش را که صد و بیوی در آن می درخشید به دیره زندانیان پرتاب کرد:

صدای پارشدن رگهای گردن " ترنگ " است. صدای خن ماسقا نه ترنگ است و در آن دم که با شکت شکسته ای که رسوده بود، می خواست سر این خود جدا کند و تا آنچه را که در زخم از او طبل می کرد و نگویید. صدای سبلی: زندانیان است بر گرفته هلی خاوری و در آن رویه دشمن فریاد او در ماسخ نداشت طلبیسی زندانیان در محیط زندان ضر طب هسزنجیوان او را با نوری ایجابی ایدی تسمیر کرده بود:

قهرمان توده ای با لبخند استنجزا گفت: - هر می که در مبارزه بگذرد و تلف نمی شود. اینست شماست که یک مددورت دست و جوسی به من و رفقا مسم ند نگارید. شش سر باز و باصاها، از نشی که شکست خورد و اسما معلوب نند: محوری در را لفر، کی شش با فرزاده و جوسی و شلتوکی...

اگر می خواهید مارا تحقیر کنید، ما تحقیر صا و رورو خواهد شد. پاسخ نطق های شتا، شت های کره کرده ماست. انتظار نداشته باشید که افلاک جنسک شما را با لبخند جواب بدهیم. آیا می خواهید از روی جسد ای غرض در خون ما بگذرید؟ ونگ از روی زندانیان برید. انتظار این هجوم و فزاد دلبری می بایک رانفاشت. کلمات محوری چون شقایق در دل و جیره زندانیان شکفته بود. بر ای زندانیان هیچ کوره راهی جز عقب نشینی بازنه بود. با دستهای گفت:

۳- اجازه منی در هم به مانوین کشید. ما بیخیمان نیستیم و سر فرامیم، و اسفیده خود سر فرامیم... جناب سر هسنگ، من زندانی سیاسی ام. افتخار می کشم توده ای ام. به خاطر با مردم بودن زندانیان شهاستم به خاطر مردم بودن توده ای خواهم مرد. لطفا بجا نهیست نزنید.

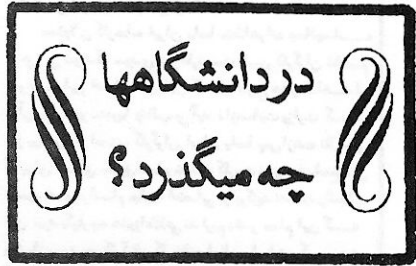
قهرمان توده ای با لبخند استنجزا گفت: - هر می که در مبارزه بگذرد و تلف نمی شود. اینست شماست که یک مددورت دست و جوسی به من و رفقا مسم ند نگارید. شش سر باز و باصاها، از نشی که شکست خورد و اسما معلوب نند: محوری در را لفر، کی شش با فرزاده و جوسی و شلتوکی...

صداهای تیزی که در صحن ماحلین هسای طب و سلمین ها در پیچه به روی این تاریخ زنده و جاری می کشاید. گوش کشید... از هرینه از این در پیچه ها آواز های رزم و خون و خاطره می آید. این صدای عشق و دلیری صدای مقاومت خلق ماست، صدای زنجیر ها و زنده انبساط. صدای روزه است که می گوید: - تنها می روم و بتادر سلمین ها شکوفه و نوزاد بر گردن...

باز صداهای دیگر... سرود حماسه پایله ایدی صدای صفر قهرمانی: ۳۱- سال صبر کردم، باز هم صبر می کنم... آن قدر می مانم تا فرزندان واقعی ایران درهای زندان من و

و چه کسوست که آن روز بهاری سال ۱۳۵۲ زندان شوز را فراموش نکرد.

فرزندان، و داستانی است که هنوز نوشته نشده. روز ۲۱ اردیبهشت ماه هرسال و غلجیهای ما در محاصره های شو را نیز دلبری و روز این داستان ها، جیره و دادسی خود را می بینند. ۲۸ اردیبهشت روز خاطره هسای و رزم و وفاداری و مطرقت است.



ایرواح خشنه اعتراض علیه اقدامات ضد فرهنگی و سیاست گلوبه و جهانی پانوم و وسیله های رنگارنگ رژیم ناسامواوک دانشگاههای کشور را فراگرفته است. در این اعتراض های حتم آگهی استادی و دانشجو در کنار هم دست در دست بکدی بگرشکرت دارند. در ها استاد شریف دانشگاههای ایران با در و رطلنامه های افشاکرانه و بناهای اعتراضی در کنار هزاران دانشجو ی آزاد بخواه به مبارزه علیه رژیم بورواختناق آریامهری برخاسته اند

نگذارید دانشگاه صنعتی تهران را منحل کنند

سیاست اهراب و تخریب استقامت ی کوفه . بدین معنی که حکومت پس از زوال آردن فشارهای داخلی از طریق مابروت دانشگاه مددرت به فراخواندن افراد به دستگاه های افضی و مسهر . نهیمه تمدادی از افضای کسا در آفرین به موسسات دیگر ی کند . نظیر چنین عملیاتی سیاست اهراب و تخریب در موسسات آموزشی مشابه باید رژیم با موفقیت همراه بوده است.

یادمانده ی عقیق تو به اثرات فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر بر جامعه ایران در طول حیات کوتاه خود و شناخت دروسات زمامت رژیم های وابسته به آسانی می توانی بخش این حقیقت بود که در این گونه نظایرها هر نهاد ی که در تضاد با ضایع حیات حاکمه داخلی و واحیان خارجی آن عمل کند ی با سیاست در انتظار عکس العمل های نظیر آنچه که در فوفز اشاره رفت باشد .

در شرایط کنونی ایران که حیات حاکمه به برهانه کسود شخصی و به نام توسعه اقتصادی کشور (گسترش صنایع مینا و توسعه اقتصاد دولتی و رشد سرطانی بخش خدمات) صدها هزار نفر از اتباع فیلیپین ، کره ، ژاپن ، اسرائیل ، آلمان ، فرانسه ، انگلستان ، آمریکا وغیره راه قیمت ناراح ضایع ملی به کاری می گردود هاهزار نفر از د اوطلبان ، رود به آفرین های وادر پنت در های دانشگاه ها از ازابان منحصلا در مورد ی کند و متجاوزان صدها هزار نفر جوانان ایرانی را برای ادرانه تحصیل ناگزیر به روی آورده بحمه دانشگاه های خارجی می نماید ، انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر کآنا رگی کامل برای پذیرش حد اقل هزار د اوطلبان تحصیلا در دانشگاهی مصطلع با موسسات آموزشی بین المللی را در اختیارش ضایع ملت ایران و در جهت خدمت به ضایع بهگانگان است.

هموطنان : آنچه کما این روزها بر تارکمان دانشگاه صنعتی آریامهر بالاخره و جامعه دانشگاهی ایران بالاهم ی گذرد دستوری جدی به ضایع ملت ایران به طو صون صنایع دانش آمیزانه دانشجو یان ، محملین و کارکنان دانشگاهها به طور خصوصی است.

در این مهم شایسته است که با ایجاب واضح و محظانیت حرکت های فصلی خواستاران استقلال و بزنگی وطن عزیزان با اتحاد و همبستگی توطه هارانش بر آب ننوده و از انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر جلوگیری کنیم . جلو گویولر انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر تنها باید پیش دانشجو در آفرین هکائی کنونی امکان پذیر است . ادرانه فعالیت آموزشی دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران به معنی پذیرش سالانه حد اقل هزار د اوطلبان نشنه ورود به آموزش های است.

امکان ادرانه این خدمت را به کارکنان دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران بد عهد

نمودند با شکل در سازمان صنعتی هم خود را صرف ایجاد محیطی سالم یویا به منظور فراهم آوردن زمینهای صلح برای تربیت نسلی ضعیف به حال کشور کردند . . . کارکنان دانشگاه ضمن شکل در سازمان صنفی خود به منظور تاحین حقوق مادی و معنوی در عین حال سعی نمی توانستند نسبت به تعدیات و پایمال کردن حقوقی انسانی افضای جامعه دانشگاهی (و دانشجویگارشده) بی تفاوت بمانند . کارکنان دانشگاه بارها عدم رضایت خود را از نادرده گرفتن و لغو آسین نامه ها و مقررات دانشگاهی و سلطنتی و احصال خلاف قانون دستگاه پلیس مانند حضور گارد بیوشن ماموران صلح و ضرب و جرح افراد به صورت اعتراض و تضاد نشان داده اند . . . " باتوجه به مطالب فوقی ادرانه فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر از وجهت منافی با اهداف و دیدگاه های حکومتی ایران است . یکی به دلیل وجود محیطی مناسب و آراسته نگر برای پرورش افرادی کاستلال و بی نیازی جامعه را در زمینه های فنی و اقتصاد و خواستار (طاقت در برابر استعمار سلطنت و دیگری شکل و همبستگی افرادی که تحقیق خواست های دموکراتیک را دنبال می کنند) طاقت در برابر خود گامگی .

در بد و امر چنین به نظر می رسد که هیئت حاکمه به منظور در هم شکستن شکل گروهی کارکنان دانشگاه خود را ناگزیر به انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر ی بینف لذا به منظور توجیه عمل خود در افواه عموم چنین ضایع می کند که دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان منتقل می گردد . در صورتی که در اصفهان دانشگاهی جدا گانه با کادری که قبلا زمینه آن مستقل از کارکنان دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران از طریق هیئت حاکمه فراهم شده بود تاسیس گردیده است و تنها وجه اشتراک این دو موسسه آموزشی نام آن دو می باشد .

به دنبال انحلال دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران امکانات و وصل آن را نیز به دانشگاه علوم و فشن ارتش واگذار خواهند کرد . واگذاری امکانات و وصل دانشگاه صنعتی آریامهر تهران به ارتش و منظور راز دیدگاه حیات حاکمه تاحین می کند .

اول آن که برای فرار از رژیم خواب کردن مسجده ی به بهانه ساختن مسجده ی دیگر تاحصیلات و امکانات دانشگاه را بلا استفاده می کند ادران و دوم آن کتخصیصت مقررات و ضوابط نظامی امکان هرگونه بیبانی و استقلال عمل را که لازمه یک محیط سالم ملی است هلا در محیط نظامی در نطفه خفه می کند . این هر دو صل نظر دستگاه رابرای جلوگیری از تشنگی گروهی افرادی آورده می کند و در صورت موفقیت از دیدگاه رژیم الکوی دانشگاه نظامی به سایر موسسات آموزشی تخصص داده خواهد شد .

لازم به یاد آوری است که تصمیم به انحلال دانشگاه صنعتی پس از عدم موفقیت هیئت حاکمه در احصال

هیئت علمی دانشگاه صنعتی تهران در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه طی نامه ای خطاب به نخست وزیر نسبت به تصمم دولت صنفی بر " انحلال این دانشگاه در تهران زینهار انتقال به اصفهان " اعتراض کرده ، خاطر نشان ساختند که :

" باتوجه به نگرانی های نسل جوانی که پیشت در دانشگاههای ایران مانند ماست و باتوجه سرمایه ای که این نسل برای ادرانه تحصیل هم ساله به خارج از کشور می رود و بالاخره باتوجه به اوضاع و احوالی که در فاع آموزشی ملی و ایجاد تکدی روی ملی وظیفه فرود ملت ایران است ، انحلال دانشگاه تکدی فانی که بهای باروری خود رسیده است مسلما هرگز نمی تواند مورد تائید جامعه دانشگاهی قرار گیرد و با صالح احتمالی - اقتصادی منطقی باشد . " این نامه را ۱۳۲ تن از اصفا هیئت علمی دانشگاه تهران امضا کرده بودند .

پس از آن - در تاریخ یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه مجمع عمومی کادر آموزشی این دانشگاه با اکثریت قاطع تملعنامه زیر را تصویب کرده بود :

" با توجه به سازیم سلطنت به کادری شخصی گزینش و در طلبین ورود به دانشگاهها ، مذاکرات فصلی بطولانی با مقامات مسئول ، نامه اخیر کادر آموزشی به جناب آقای نخست وزیر و صوره مورخ ۲۲ / ۲ / ۳۲ شورای دانشگاه در مورد اعلام آمادگی پذیرش حد اقل ۷۰۰ دانشجو برای مهرماه سال جاری در پردیزه تهران :

کادر آموزشی دانشگاه صنعتی آریامهر تهران از تاریخ یکشنبه ۱۷ / ۲ / ۳۲ تا اعلام رسمی گزینش دانشجو برای پردیزه تهران در رساله های گروهی کشور ، از ازابان مسه فعالیت آموزشی خود را روی خواهد نمود . "

این قطعنامه مورد پشتیبانی کامل دانشجویان قرار گرفت و آهنا نیز طی قطعنامه ای به پشتیبانی از این خواست ها دلانده و مقامی تلاش هارا تحریم کردند .

هیئت علمی کارکنان دانشگاه صنعتی تهران مسهل ملی اعلامیه ای ضمن تشویق حوصیت حماسی و پراهمیت این دانشگاه در حیات دانشگاهی فرهنگی کشور و توطئه های ضد ملی رژیم در جلوگیری از حرکت اصلی و متکامل ملی این دانشگاه خاطر نشان ساختند :

" بهنگاهی اجمالی بخاطر پیچیده فعالیت دانشگاه صنعتی آریامهر در ی باهم که اصحاب فشارهای مادی و معنوی ناشی از نید این جامعه صرفی تحت سلطه رژیم وابسته ، کارکنان این دانشگاه را به عنوان بخشی از ملت ایران بر سر دوراهی تصمم وصل قرار داده بود . این جامعه کوچک صفا ی با سیاست فرار از اوضاع و احوال سیاسی اقتصادی کشور به صورت معامل بلا ادرانه اجباری بر نانه های محیطی حکومت در آید و بارسلالت خود را در خدمت به سلطنت و همجنسین تاحین حقوقی مادی و معنوی خویش به انجام رساند . کارکنان دانشگاه ملی رفم نظرات و مطالب حکومتی راه دور را انتصاب

رژیم سیاه و شقایق های سرخ

چهار دانشجو در دانشگاه تبریز

در حمله گرازی رژیم پهلوی شد

مطالب یکبار دیگر روی سینما درها دانشجوی آزاد بخود دانشگاه تبریز تکلمت. ریکار گوله هادر دانشگاه تبریز یک بار دو روز حاضره نوم ۱۱ آذر را تکرار کردند. چهار دانشجوی این دانشگاه به صف قبول شهید ای رمازادی ایران بپوشند و درها دانشجوی دیگر در خون حمله و غلطی در حمله ازها به دانشجوین دانشگاه تبریز و به گروه پیش درها دانشجو و دختر و پسر در محیط دانشگاه و دانش نامه هر کشتار مردی و صحنی دیگر در اسلحه به فرمان شجر شاه و دستگیر از زاندرم هاربا بپوش (ارتشبد مفت) که در لیب اسر استناد از آذر باجهان مقرر مانده حکومت نظامی در آذربایجان قهرمان آرازی بکند بصورت گرفت. این حمله و در روزیبه سبک سپاهیان حاضران براد از معول را استناد دانشگاه تبریز بهتر و درضق

ترا ازهر شاهد صبی در طغناط ای که توسط هیئت علمی دانشگاه تبریز (آذربایگان) منتشر شده و تشریح کرده اند. در این طغناط آمده است: هر روز ۱۸ اردیبهشت ماه بزرگترین صی شرماتنه ترین بوش ها علیه هر آمده. نام فرهنگ علم و اخلاق و فضیلت و منضیت دارد بصورت گرفت و آن راه عنوان روز صبح و سنگ در تالرم این دانشگاه به تیر رسانید. پلیس و ماموران انتظامی دانشجوین بی دفاع را با خلوت ترین کج خانه شان یعنی کلاس ها و مراات خانه ها دنبال کردند. و همان گونه که بانسی های تکلمت آثار ریکار سلسل ها درهای شکسته و لغتت های خون گراهی بی دهن و حرم قاتین و انسانیت و فخر را م و در تداوی قرار دارند. رفناز آبان یاد حمران دانشجو و جام های کارشنار باد آور و دایچه با ان چنگیزی بود. تا بر اعلم اریز این ارتش اس کشتار محوری تدا استقامت. دانشگاه میان دانشگاه آذربایگان اصل این نحویز را ردی کند و بر این تسلیم و تأثر خود را به خانواده های دلده شده دانشگاه میان و به مات ایران تقدیم می دارند و نام...

خواست های زیر را استناد دارند: ۱- اعمال خشونت به هر عنوان در دانشگاه محکوم است و هر کار و ماموران انتظامی به استناد تصاریب گذشته همیشه موجب تحریک دانشجویان و ضرر به بروز خشونت بوده است. لذا خروج کار و عدم دخالت ماموران انتظامی در دانشگاه ضروری است. ۲- آزادی مجروحان و دستگیر شدگان حادثه اخیر در دانشگاه مورد تقاضاست. ۳- در صورتی که در اثر حوادث مذکور شرایطی پیش آید که نیم سال تحصیلی جاری متخل شود، از اجرای مقررات انضامی ترم (محرورت و اختتام ترمه صفر برای واحد های انتخاب شده) خودداری شود. ۴- محروم و مساجد علمی ماموران متخللی که این حادثه را پلر آورده اند. این طغناط مورد تصویب شده و به هزار نظر از استنادان و کارکنان دانشگاه قرار گرفته است. طبق گزارش دانشجویان دانشگاه تبریز، شرکت کنندگان این اجتماع پس از تصویب طغناط به مدت یک ساعت در محوطه دانشگاه با نود و هفت نفر در مقابل دانشگاه های ادبیات، علوم تربیتی، هفقی لیسانس و بهارستان با اختتام دانشجویانی که در روز گذشته جان خود را از دست دادند در مدت یک دقیقه تسکین کردند.

اعلامیه و تظاهرات پرشور دانشجویان دانشگاه تهران

دانشجویان دانشگاه تهران طی اعلامیه ای پرورداز روی بسیاری از حقایق پنهان در دانشگاه تهران که رژیم دربار آن ها مپرسکتو بر لب زده است پرداختند. در این اعلامیه آمده است: علی رقم تبلیغات وسائل ارتباط جمعی منی بود این آزادی های بیشتر به دانشگاه ها و دانشجوین دانشگاه تهران از آغاز سال تحصیلی شاهد اعمال ضد قانونی و تشدید اختناق در محیط دانشگاه و سیرالوت مامیت خوست را و اعمال دانشجوین به وسیله مقامات بوده ایم. سراز اعلام محرومیت ۱۵۰ تن از دانشجوین به مدت یک نامة ترم در ترم گذشته و ثبت نام نکردن دانشجوین سال اول اقتصاد در ترم دوم و اکنون مقامات آموزشی پاد این ترمه "ه" به حدود ۱۲۰۰ نسن از دانشجوین و اخراج بی دلیل غیر قانونی حدود ۱۵۰ تن از دانشجوین دانشگاه های حقوق و ادبیات، علوم اداری و علوم اجتماعی که صرفا به واسطه ایجاد شرایط ضد آموزشی در دانشگاه در اشخاصی که اصولا برگزرا نشد و شرکت نکرده اند دست به عمل غیر قانونی دیگری زده اند که با مخالفت شدید استادان نیز روبرو شده است و اطلسیان به ادامه تحصیل راک از حقوق اساسی هر انسانی است از مصلحت گرفته اند.

دانشگاه ها و مختلف موفق شدند در زمین جمع اجتماع کند. سواک و کار که از اجتماع دانشجوین و منضت زده شده بود توسط حمله بی چید. یک انجمنیول رها که توسط سر نشین داشت در اطراف محوطه جمع به گردش درآمد. اینفلندگوی این انجمنیول سواک مدام شعار "زنده بماند شاه" پخش می شد. کسی که صدای دروگه اش را پشت جگر و زینها کرده بود یکی از ماموران سواک بود. این توسط هم کارگر نینفاد و دانشجوین با حفظ آراش اجتماع خود را ادامه دادند. یکی از فرماندهان نظامی که در کار محاصره دانشجویان در حالت داشت در این لحظه با پیشگداشت و از دانشجوین خواست تا محوطه دانشگاه را ترک کنند. دانشجوین که طبق برنامه قبلی برای رجوع به دبیرخانه دانشگاه منتظر چنین شرایطی بودند با آراش کامل و به طهر دستجمعی محوطه دانشگاه را ترک کردند و در بهار و وسط دبیرخانه روی زمین نشستند. این عمل نظر صد ها عابر پیاده را در منطقه ۲۴ اسفند به خود جلب کرد و کارگر که تا فنگر شده بود برای مفرق کردن اجتماع کنندگان و جلوگیری از موجت حرم به دانشجوین حمله پشیمان، اورا به آنها گراز آورد. دانشجوین از این لحظه به بعد با براد "مرگ بر این حکومت فاشیستی" در دست شرق جنوب دانشگاه به حرکت در آمدند. دو گروه دیگر دانشجوین در خیابان صی خری نرسیده به شاه پسه یکدیگر بطبق شدند و با براد "حرم به ما ملحق نشود" حرکت خود ادامه دادند.

تظاهرات پرشور دانشجویان

به مناسبت اول ماه مه

دانشجویان دانشگاه تهران به مناسبت اول ماه مه (روز جهانی رزنده کارگران جهان) تظاهرات پرشور و سازمان یافته در دانشگاه تهران در خیابان عباسی (یکی از خیابان های فرعی شهر) خود را در محوطه (شهر) دست به تظاهرات زدند که بلافاصله با پشتیبانی و استقبال کم سابقه زحماتگان ساکن محل روبرو شدند. این استقبال آن چنان پر شور بود که طبق گزارش حرس و استنادی که در تظاهرات شرکت داشت پیش از زبان از قسمل تسکین شده ادامه یافت. در جریان تظاهرات دانشجویان تعداد زیادی تراکت و پلر و روزاول ماه مه پخش کردند که با استقبال روبرو شدند. ضما تظاهر کنندگان پلاکات بزرگ پارچه ای که مضمون آن دریا، ۲۰ روز اول ماه مه و افشاگری خیانت های رژیم پهلوی سید آبرامی طلسم کارگران و زحماتگان ایران بود صادر و پخش کردند. در پایان این تظاهرات که گروه زیادی از زحماتگان محل پس از همگام شده بودند، تظاهر کنندگان با دگرگوران شهید انصاری (جهان جیت) و راگرای دانشند. گروهی از تظاهر کنندگان پیش از رسیدن پلیس شترق شدند و گهگاهی شاه توانستند به آن ها دست بیایند.

گزاره گران توبه می شنیدند تظاهرات خیابانی صی خری با استقبال گرم مردم روبرو شد. چند همراز داری که تحت تأثیر شایعات سواک صی خری بکشتن و آتش زدن همراز هار انجمنیول عا نرسیده بودند و درصدد بودند همراز های خود را بپندند و بعد از ظهور تظاهر کنندگان بدین حمله به همراز ها، بزرگه نمایه های خبری بالا کشیدند و به دیگران هم توصیه کردند همراز هار انجمنیول به ما کاری ندارد. در روز گذشته بودند. این همراز هار انجمنیول نین زنده. کار که در در میان آنکه بره های او نسنی (گارد شاهنشاهی) در خیابان ها دستگیر شده بود در

خیابان صی خری به تظاهر کنندگان حمله کرده و ده ای را دستگیر نمود. همکار محرم با تظاهر کنندگان شکست انگیز بود. بعد از حمله پلیس و ارتش بسیاری از مفران تظاهر کنندگان را در هم در داخل خانه هایشان راه دارند و درها صاکنین حملات اطراف صی خری و کاسب های محل دانشجوین و دیگر تظاهر کنندگان را گراز چنگ گرازه های شاه فسرار کردند برای فرار از همناسی کردند و آدرس کچه علمی را که در رود است را اختیار آن ها می گزینستند. همین گزارشها حاکی است که بسیاری از مردم صادی هنگام این گری تظاهرات در بحالی که ها مراد میرت "حرم به ما ملحق نشود" سنا سنا دست و در روسی خیابان برای دانشجوین تظاهر کننده دست می زدند و هورا می گزیدند.

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران

به سال دهم در چنین روزهای جنبش حقوقدانان ایران بنیاد گرفت و سپس با تعویب و انتشار بیانیه های موج بهیشت نیز و چهارم مهر قوام نگری و سازمانی یافت. هدف از تشکیل این جمعیت استقرار حکومت قانون و استقلال قوه قضائیه و آزادی های فردی و اجتماعی مند رج در قوانین اساسی ایران است به همین جهت کسانی که در سالهای گذشته از قانون فقط نام آن را خواسته اند هنگامی که با تعلق این اندیشه رو شدند به مقابله ناخواندانه ای با آن برخاستند.

این مقابله با اخراج بسیاری از اصحاب کنگره بیانیه های این جمعیت از ستاره و یوگالت در ادارات و سازمان های دولتی آغاز شد و پس از آن که ایجاد نهضت و مشکلات دیگری برای افراد این جمعیت از قبیل طالبه مالیات های گزافی، هنگامی و تبه در و ارباب گوی و تلفظی در روحیه و عزم استوار در ستان ماخوژ نهاد آزادی و سلاخی و امنیت و کلاهی در ادگستری در معرض مخاطره قرار گرفت.

یکی از بدخشان ترس کارهای افراد جمعیت ما دفاع از بی گناهانی بود که در چند ماهه اخیر در اجتهادات و نظاهرات خیابانی و یا به طلل دیگر دستگیر و زندانی شدند. و کلاهی که در این محاکمه شرکت کردند نشان داد که با شناخت رسالت راستین و اصل و کیل و ادگستری برای آشکار کردن حق و حقیقت عزم خود را جزم کرده و نیز مواضع قانونی از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و به همین جهت نتایج های ناخواندانه در درجه اول متوجه عده ای از این گروه شد:

- در تاریخ ۱۳۵۷/۱/۲۹ به منزل آقای هدایت الله ضمیمه دفتری بجهت پرتاب کردند.
- در همان روز یکی در مدخل دفتر و یوگالت آقایان ضمیمه و سید محمد زاری متغیر شد.
- در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۷ آقای دکتر عبد الکریم لاهیجی توسط گروهی همجهت مورد ابراد ضرب و جرح قرار گرفت و همان شب یکی در دفتر و یوگالت ایشان متغیر شدند.
- در همان تاریخ یکی به منزل آقای گرویش فروهر وکیل و ادگستری پرتاب کردند.
- به منزل آقای حسن نیری دستگیر شدند و علاوه بر مقامی و اوراق و اسناد شخصی ایشان تعدادی فرش هم به صورت رفت.

- آقایان الله بزرگا و یوگالت و ادگستری مقیم رضایه سید کسبین امنیت اجتماعی به ابرام مرتضی گردید. ما زودم آزاده ایران کسانی که به حکومت قانون ایمان و اعتقاد دارند درخواست می کنیم که در برابر این توطئه ها و تهاویزهای وحشیانه به حریم دفاع و امنیت و کلاهی و ادگستری به اعتراض برخیزند و با انضامی ما هیست این توطئه ها سازمان دهندگان آن را با زهم رسوائی سازند.

جمعیت حقوقدانان ایران
تهران - ج ۳ - پلازم ۵ - اردیبهشت ماه ۱۳۵۷

اعتصاب زندانیان سیاسی در تبریز و قزل حصار

- ۳- امکان ملاقات با خستوانان درجه دوم و
- ۴- امکان استفاده از دستگیر شخصی و بیمارستان و
- ۵- تصویر و اسلحه و نندانشنگی زندان و
- ۶- افزایش چیره غذا و
- ۷- جلوگیری از گرفتاری فروشگاه زندان و
- ۸- گسترش فضای مناسب برای زندانیان و
- ۹- ایجاد کارگاه در زندان.

این نامه برای افراد و کمیته های زیر فرستاده شده است:

- رئیس کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، رئیس کمیته دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران.
- زندانهای که نامه را اضا کرده اند، محکم صحبت نشان از و سئل تا ابد است.
- نامه زندانیان سیاسی نیز در شرایطی نوشته شده است که هفته ها از اعتصاب زندانیان سیاسی زندان قزل حصار و آرد و تانگین هیچ خبری درباره آن اجزای رژیم محاکم آریا خبری نشنیده است. زندانیان زندان قزل حصار نیز به شرایط دشوار و محدودیت های غیر انسانی حاکم بر بنایرهای شاه متغیرند.

زندانهای سیاسی تبریز برای اعتراض به شرایط دشوار و غیر انسانی حاکم بر زندان ها از صوم لر و صحبت صاه اعتصاب ملاقات کرده اند. این زندانیان در زیر بصری سر نیزه در زمین طی نامه ای خواست های خسته را اعلام داشته اند. در نامه آمده است: ما زندانیان سیاسی تبریز اعلام می داریم که در ادگاههای صری و نظای غیر قانونی به خاطر خواندن اعلامیه و کتاب و مجری یا به خاطر شرکت در اعتراضات و دانشگاهی به زندان های بر ارضت دستگیر شده ایم و برخلاف گفته های رژیم که در مطبوعات بین المللی انعکاس می یابد طرا شکجه کرده اند. بنابراین:

- ۱- استفاده از مطبوعات و کتاب های داخلی و خارجی مجاز در ایران و
- ۲- استفاده از آزادی و روح و صغر صحت به صورت شخصی و

جنایت رژیم در خانه آیت الله شریعتی مداری

در حدود ساعت ۱۰ به دو کو چکری ملت و حتی وجود بهانه به ناگاه ماورین صلح اجتماعی با تهاجم غیر قانونی صا: بدن رکهار مسلط وارد صحن شده و یکی آن که در ضمیمه کسی اندیشه طاقت با فرستاده را باشد در تیرور ماورین قرار گرفته و مورد ضرب و جرح و قتل واقع می گردند. فضای حرم رهبر شمیمان جهان از این حادثه دستخوش خرابی وقت آوری میگردد. در باز دیدی از منزل حضرت آیت الله العظمی شخصاً در داخل یکی از اتاق ها و رو فرش منفر خلا شی شده و بیکه های خشنگ و صحنه های تانگولر دیگر مشاهده کردم. تحافظ به حریم و کانون مرجع و حانیت... موجب ترکا شده بودم و آرد و کی صیق خاطر حضرت آیت الله العظمی را فراهم کرده است. به جاست که زبان آن مقام عالیقدر بگویم:

- ما بارگه داریم این رفت ستم بر ما

نامه ای در شهر تبریز به اضا احمد بن احمد نمانده تبریز در مجلس شورای ملی دست به دست می گردد که بر اساس شاهدات این نمانده ۱ ز شهرتم نوشته شده است. گفته می شود قسمت های از نامه مورد بحث حتی در مجلس شورای ملی خوانده شده است. اما مطبوعات کوفته می شوند که اهای تبلیغاتی رژیم در باره آن مهر سکوت بر لب زده اند.

ماضت های از این نامه را که تنها گوشه ای از ضمیمه رژیم شاه - ساوان را در تم قاش می کند، چاپ می کنیم:

"صرف نظر از حوادثی که در شهر تم اتفاق افتاده است، باید از روز چهارشنبه گذشته صحن بیرونی حرم مسکونی حضرت آیت الله العظمی آقای سید کاظم تدبیرتنداری مانند روزهای مادی مرکز رفت و آمد افراد روحا و عو روحانی و زنان برای رفع حوائج دینی بوده است که

تعبیر برادر آیت الله خمینی

ساعت ۱۱ شب پنجمین ۲۱ اردیبهشت، گواهای شاه حضرت آیت الله صد مرتضی چندیده خستی را در خانه اش دستگیر کردند. وی برادر بزرگ و شایسته آیت الله خمینی در ایران است. ما موران بعد از دستگیری برادر آیت الله خمینی، اوار به نقطه نامه ای نوشتیم.

پیام برای گروه تنسدر

رفتای گرامی و غوا هتر می کنیم هر چه زود تر با مرکز حزب تماس بگیرید و به ما درود های گسر

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری شرط لازم برای سرنوشت رژیم شاه است!

با به تبریز کاغذ گیسو

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

صناب پانکی صاه

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: O 400 126 50
Pr. T-10. 1